

ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (نمونه موردی: مرز خراسان رضوی با افغانستان)

نام و نام خانوادگی: سیدهادی زرقانی^۱، مرتضی رضوی نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

چکیده:

تولید و تجارت مواد مخدر با گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری آن، امروزه به یک عرصه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. از این رو می‌توان از آن با عنوان ژئوپلیتیک مواد مخدر یاد کرد. در این عرصه با بازیگرانی در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی روبه‌رو هستیم؛ به این ترتیب در پایین‌ترین سطح یعنی سطح محلی، کشاورزان افغانستانی قرار دارند که با وجود زحمت و تلاش زیاد کمترین میزان سود ناشی از این تجارت غیرقانونی را به خود اختصاص می‌دهند. در سطح دوم، قاچاقچیان قرار دارند که وظیفه انتقال و قاچاق مواد مخدر را از داخل افغانستان به بازارهای منطقه بر عهده دارند و با توجه به نوع فعالیت خود، سودهای متفاوتی را نیز دارند. سرانجام در بالاترین سطح، مافیای جهانی مواد مخدر و کارتل‌های بین‌المللی هستند که در سطح جهانی به این تجارت کثیف مشغولند و البته بالاترین سودها را از آن خود می‌سازند و عموماً از تعقیب و مجازات قانون در امان هستند. از سوی دیگر تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان دارای آثار و پیامدهای زیانباری برای همسایه‌های این کشور به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد همسایگی ایران با افغانستان، همچنین قرار گرفتن ایران در مسیر اصلی قاچاق مواد مخدر، امنیت مناطق مرزی شرق را به‌طور خاص و امنیت کل کشور را به‌طور عام از چشم‌انداز سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید جدی قرار داده است. قاچاق مواد مخدر، کالا، رفت و آمدهای غیرمجاز مرزی، قاچاق انسان، افزایش درگیری‌ها و ناامنی‌های مرزی، افزایش قتل، شرارت و گروگان‌گیری در مناطق مرزی، گسترش اعتیاد و پیامدهای منفی پر شمار آن از جمله این تهدیدات است. این مقاله می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین ژئوپلیتیک مواد مخدر در افغانستان به بررسی پیامدهای تولید و قاچاق مواد مخدر بر امنیت مناطق مرزی شرقی کشور بپردازد.

کلیدواژه‌ها:

امنیت، مرزهای شرقی، ژئوپلیتیک، مواد مخدر

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Email: h-zarghani@um.ac

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۱ - مقدمه



تولید و مصرف مواد مخدر سابقه طولانی در زندگی و حیات بشر دارد. با این همه سرآغاز آگاهی نسبت به مواد مخدر و انگیزه آغازین در استعمال آن به درستی معلوم و مشخص نیست. قدیمی‌ترین آثار دال بر وجود خشخاش در خط سومریان دیده شده که پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح از دشت‌های آسیای مرکزی به میان رودان (بین‌النهرین) آمدند. در دوره‌های معاصر اما چین و کشورهای جنوبی و جنوب شرقی آسیا در نخستین سال‌های قرن بیستم، تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌های اصلی تریاک محسوب می‌شدند (A Century of International Drug Control, ۲۰۰۸:۱۵۸). در دهه‌های گذشته، سه منطقه در جهان در تولید انواع مواد مخدر (تریاک، حشیش و...) نقش اساسی داشته‌اند؛ این سه منطقه عبارت‌اند از جنوب غربی آسیا شامل دو کشور پاکستان و افغانستان، جنوب شرقی آسیا شامل لائوس، تایلند، برمه و ویتنام و سرانجام آمریکای لاتین شامل دو کشور کلمبیا و مکزیک (Ibid: ۱۵۹).

با کاهش تولید انواع مواد مخدر در کشورهای نام‌برده، به تدریج در سه دهه گذشته افغانستان به‌عنوان مهم‌ترین کشت‌کننده خشخاش جهان تبدیل شد و در واقع تولید انبوه و انحصاری تریاک در افغانستان جایگزین سایر مخدرها در مناطق دیگر جهان شد. در واقع به دلیل وجود برخی عوامل و زمینه‌ها چون گردش عظیم مالی تجارت مواد مخدر در جهان و سودهای چند صد میلیاردی آن برای باندهای مافیایی بین‌المللی، اقتصاد نابه‌سامان افغانستان و فقر شدید مردم آن کشور، بی‌ثباتی سیاسی و نبود حاکمیت فراگیر در افغانستان، روند کشت و تولید مواد مخدر در دو دهه گذشته در افغانستان به‌رغم فراز و نشیب‌های متعدد، سیر صعودی داشته است. تولید و تجارت مواد مخدر در دو دهه اخیر آن‌چنان در افغانستان فراگیر شده است که می‌توان گفت به‌جای نهادینه‌شدن مردم‌سالاری و قانونگرایی مانند سایر کشورهای در حال توسعه، در افغانستان تولید و تجارت مواد مخدر نهادینه شده است. از سوی دیگر، تولید مواد مخدر در افغانستان و سیر صعودی آن علاوه بر آثار ویرانگر داخلی، مطمئناً تأثیر مخربی نیز بر کشورهای همسایه افغانستان به‌ویژه ایران



داشته است و دارد. تولید حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان در افغانستان از یک سو و مجاورت جغرافیایی ایران با افغانستان و قرار گرفتن ایران در مسیر ترانزیت و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر از سوی دیگر، باعث سرایت ناامنی و بحران به کشور ایران شده است؛ چنان که در سال‌های اخیر امنیت مرز و مناطق مرزی شرق به‌طور خاص و امنیت کل کشور به‌طور عام در معرض تهدیدهای جدی قرار گرفته است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر، کتاب‌ها و مقاله‌ها گردآوری شده است. سؤال اصلی مقاله این است که تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان چه پیامدهای منفی بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی ایران خواهد داشت. بر این اساس این پژوهش تلاش دارد تا ضمن تبیین وضعیت تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان، مهم‌ترین پیامدهای تولید و قاچاق مواد مخدر را بر امنیت مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران بررسی و تجزیه و تحلیل کند.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- مرزهای بین‌المللی و کارکردهای آن

مرز سیاسی به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که بازتاب‌دهنده قلمرو حاکمیت یک دولت است و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد کند یا آن را محدود سازد (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۱۴). در باره نقش و کارکرد مرزها نظرات متفاوتی وجود دارد و صاحب‌نظران کارکردهای متفاوتی را مانند کارکردهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۰)، اثبات حقوقی یا فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱)، مانع دفاعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (Dwivedi، ۱۹۹۰: ۱۴۱)، جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، کشمکش و ارتباط (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۱) و... برای مرزها برشمرده‌اند؛ اما به عقیده بیشتر صاحب‌نظران مهمترین نقش مرز، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است.



۳-۲- امنیت مرز

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه کار خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. آشکار است امنیت مرزها پشتوانه‌های محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند؛ در مقابل، امنیت مطلوب‌قادر است در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطابی، ۱۳۷۴: ۸۵). از این رو سعی کشورها بر این است که تا حد امکان مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیر قابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن‌ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشود و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. در میان کشورها، تنها دولت‌های معدودی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق، اسرائیل (رژیم صهیونیستی)، یوگسلاوی روزگار تیتو، کوبا و چند دولت اروپایی و آمریکای شمالی، قادر به ایجاد سیستم و مدیریت مؤثر برای اداره مرزهایشان شده‌اند؛ زیرا کنترل مؤثر بر مرز نیاز به هزینه‌های سنگین، سیستم‌های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان‌یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه و حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی دارد. به همین دلیل دولت‌های ایران نیز مانند بیشتر دولت‌های جهان، از عهده تهیه و تنظیم سازوکاری مناسب و کارآمد برای اداره مرزهای کشور بر نیامده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲۱).

گفتنی است طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که منطبق بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی، شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌ای، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی است و از این رو کنترل راهبردی یا امنیتی این مرزهای طولانی آسان نیست. چنان‌که تأمین امنیت درازمدت ملی و کشوری به ویژه در مناطق حاشیه‌ای با توجه به تداخل‌های قومی - مذهبی جمعیت مرزی با فضاها و سرزمینی همسایگان، ارتباط امنیت کشوری و ناحیه‌ای با صدور و ترانزیت مواد مخدر و



همدستی و همکاری کانون‌های پایدار ناامنی ایران با کشورهای همجوار، سه چالش امنیتی در برابر جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های آینده به‌شمار می‌رود (همان: ۱۵۴).

۳-۳- ژئوپلیتیک

با وجود این که ژئوپلیتیک در یک قرن گذشته مورد بحث بوده و از موقعیت‌های برجسته‌ای نیز برخوردار شده است ولی به دلایل مختلف نتوانسته است به تعریف و مفهومی روشن که مورد توافق باشد برسد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۲). از این رو تعاریف و مصادیق متفاوتی برای آن ارائه شده است. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: علم روابط تغییرناپذیر میان جغرافیا و قدرت راهبردی (Gary, ۱۹۸۶: ۷)، علم روابط میان فضا و سیاست (Dwivedi, ۱۹۹۰: ۵)، تأثیر عوامل جغرافیایی، اقتصادی و جمعیتی بر سیاست‌ها به‌ویژه سیاست خارجی کشور (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷) و نقش و تأثیر عوامل جغرافیایی در سیاست (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۵). در مجموع شاید بتوان هنر و علم استفاده از همه ظرفیت‌های جغرافیایی، اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی، نظامی و... برای کسب و حفظ قدرت را ماهیت اصلی ژئوپلیتیک دانست (زرقانی، ۱۳۸۸: ۲۵) و در این چارچوب است که ما می‌توانیم از نمونه‌هایی نظیر ژئوپلیتیک آب، ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک اطلاعات و مواد مخدر نام ببریم.

۳-۴- ژئوپلیتیک مواد مخدر

تولید انحصاری تریاک در افغانستان و تجارت جهانی آن دارای چنان ساختار شبکه‌ای، گسترده و پیچیده‌ای است که می‌توانیم از آن با نام ژئوپلیتیک مواد مخدر یاد کنیم. برخی از شاخصه‌های این عرصه ژئوپلیتیکی عبارتند از: گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری این صنعت و سود خالص ۵۰۰ میلیارد دلاری آن، وجود یک ساختار شبکه‌ای جهانی و بازیگرانی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، وجود سازمان‌های مافیایی بین‌المللی به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران این صنعت پرسود، مداخله برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تداوم کشت و تولید مواد مخدر، استفاده از این ابزار برای تهدید امنیت ملی



ایران و ناامنی در مرزهای شرقی، شکست دولت افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی در مبارزه با کشت تریاک، کشت تریاک به‌عنوان منبع مالی اصلی گروه‌های تروریستی چون القاعده و طالبان و در نهایت نقش تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان به‌عنوان مهمترین عامل تداوم بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در افغانستان. به اعتقاد نگارنده، مهمترین مانع ایجاد ثبات و برقراری امنیت در افغانستان در سال‌های اخیر تولید و تجارت مواد مخدر در آن کشور است و حتی در چشم‌انداز آینده نیز این وضعیت همچنان تداوم خواهد داشت.



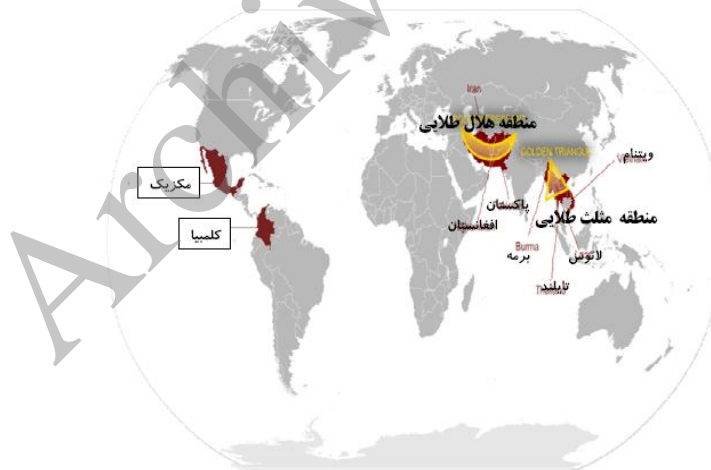
نمودار ۱: بازیگران ژئوپلیتیک مواد مخدر



۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- روند تولید مواد مخدر در جهان

در دهه‌های گذشته، سه منطقه جنوب غرب و جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین در سطح جهان در تولید انواع مواد مخدر (تریاک، حشیش و...) نقش اساسی داشته‌اند. در میان سه منطقه نام‌برده، دو کشور منطقه آمریکای لاتین یعنی کلمبیا و مکزیک عمدتاً به تولید مواد مخدر از نوع حشیش و کوکاین معروف هستند و دو منطقه دیگر در زمینه تولید تریاک و مشتقات آن شهرت جهانی پیدا کرده‌اند. این دو منطقه عبارتند از مثلث طلایی (میانمار، لائوس و تایلند) و هلال طلایی (افغانستان و پاکستان). در دو دهه گذشته به تدریج از اهمیت و اعتبار منطقه مثلث طلایی کاسته و هلال طلایی جایگزین آن شد. البته در منطقه هلال طلایی نیز افغانستان به تدریج، پاکستان را به حاشیه برد و به تنهایی جایگاه نخست را به خود اختصاص داد. چنان‌که در سال‌های اخیر نه تنها افغانستان در آسیا و در میان منطقه هلال طلایی و مثلث طلایی نقش نخست را در تولید مواد مخدر به خود اختصاص داده است، بلکه این کشور با تولید حدود ۹۰ درصد مواد مخدر جهان به تنهایی مهم‌ترین نقش را در کشت و تولید این نوع مواد (تریاک و مشتقات آن) از آن خود ساخته است.

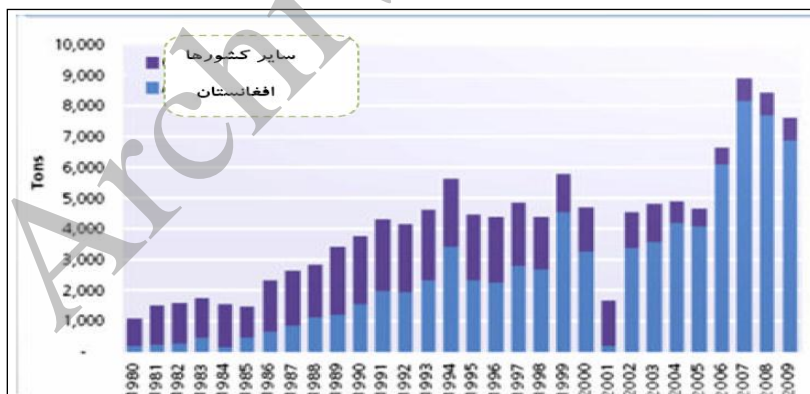


نقشه ۱: مهم‌ترین مناطق تولید مواد مخدر در جهان
(A Century of International Drug Control, ۲۰۰۸ : ۸۸)



۴-۲- کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان

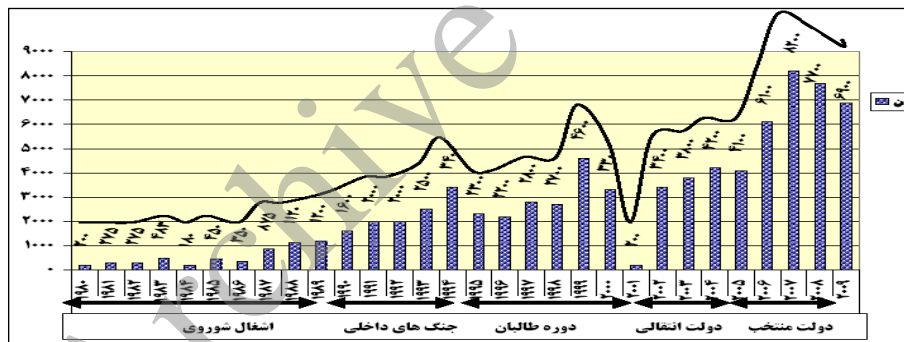
کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان سابقه دیرینه‌ای دارد اما تنها با آغاز جنگ در ۱۹۷۹ بود که کشت خشخاش و تولید تریاک اهمیت ویژه یافت. در دوران جنگ بر ضد اشغالگران روسی، تولید مواد مخدر به دلیل فقر عمومی و تأمین مالی گروه‌های جهادی مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت. با خروج شوروی از افغانستان و به دلیل نبود یک حکومت مرکزی قدرتمند روند کشت و تولید مواد مخدر همچنان ادامه یافت. آمدن طالبان نیز چندان تغییری در میزان تولید این مواد ایجاد نکرد؛ اگرچه در سال ۲۰۰۱ و در سالی که آمریکا به افغانستان و طالبان حمله کرد، طالبان توانست میزان تولید مواد مخدر را به کمترین حد در سال‌های اخیر برساند. اشغال مجدد افغانستان توسط آمریکا و ناتو نیز مانع از کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان نشد، بلکه نسبت به سال‌های قبل، شاهد افزایش شدید کشت و تولید مخدر در افغانستان هستیم. به این ترتیب افغانستان به مرور زمان به مهمترین تولیدکننده مواد مخدر (تریاک و مشتقات آن) تبدیل شد و اگر چه این افزایش تولید در برخی سال‌ها نوسان داشته است اما در مجموع روند آن صعودی بوده است. همچنان که در نمودار ۲ نشان داده شده، تولید مواد مخدر در افغانستان از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ حدود صد و شصت درصد افزایش داشته است.



نمودار ۲: رشد فزاینده تولید مواد مخدر در افغانستان از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ (تن)



گفتنی است با مروری بر سه دهه اخیر تاریخ افغانستان متوجه این واقعیت مهم می‌شویم که کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در آن کشور بدون توجه به شرایط سیاسی متفاوت آن کشور هیچ‌گاه متوقف نشده و همواره ادامه داشته است؛ اگر چه دارای روند یکسانی نبوده است. نمودار ۳ وضعیت تولید مواد مخدر را در پنج دوره سیاسی متفاوت در افغانستان نشان می‌دهد. این دوره‌ها عبارتند از: دوره اشغال [توسط شوروی، دوره خروج شوروی و جنگ داخلی، دوره طالبان، دوره اشغال افغانستان توسط آمریکا و روی کار آمدن دولت انتقالی و سرانجام دولت منتخب. نگاهی کلی به نمودار نشان می‌دهد که جز در سال ۲۰۰۱ که به دلیل شرایط خاص داخلی، تولید مواد مخدر در افغانستان به‌طور شگفت‌انگیزی کاهش یافته است، روند کلی سیر صعودی را نشان می‌دهد. چنان‌که تولید مواد مخدر از ۲۰۰ تن در سال ۱۹۸۰ به رقم ۸۲۰۰ تن در سال ۲۰۰۷ رسیده است (زرقانی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). آمار سال گذشته نیز گویای تداوم تولید است؛ چنان‌که در سال ۲۰۱۲، میزان تولید افغانستان حدود ۷۰۰۰ تن برآورد شده است (WDR, ۲۰۱۲: ۲۸).



نمودار ۳: میزان تولید مواد مخدر در افغانستان در پنج دوره سیاسی

۳-۴- فعالیت مافیای جهانی مواد مخدر در افغانستان

تولید حدود ۸۵ درصد تریاک جهان در افغانستان و قاچاق آن از افغانستان به بازارهای جهانی جز از طریق فعالیت کارتل‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدرشدنی نیست. بر اساس گزارش اداره مبارزه با جرم سازمان ملل حدود ۱۰ میلیون نفر در جهان، در شبکه‌های



مختلف قاچاق مواد مخدر همچون تولید، ترانزیت و فروش آن فعالیت می‌کنند تا مواد مورد نیاز حدود ۳۰۰ میلیون نفر مصرف‌کننده مواد مخدر جهان را تأمین سازند (خبرنامه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۲: ۱۱). روشن است مدیریت این شبکه عظیم تولید و قاچاق مواد مخدر جز از راه فعالیت کارتل‌ها و باندهای مافیایی مواد مخدر امکان‌پذیر نیست. بر اساس یک نگرش کلی، بازیگران مؤثر در تولید و تجارت مواد مخدر (کشت، تولید و قاچاق) را می‌توان در سه سطح طبقه‌بندی کرد: کشاورزان، باندهای محلی و منطقه‌ای قاچاق مواد مخدر (که بیشتر با محوریت جنگ سالاران قدیمی و گروه‌های مسلح همچون طالبان فعالیت می‌کنند) و سرانجام گروه سوم که باندها و مافیای بین‌المللی مواد مخدر است (ر.ک نمودار ۱) (زرقانی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

هر یک از این گروه‌ها از نظر نقش و اهمیتی که در تولید و قاچاق مواد مخدر دارند و همچنین میزان سودی که می‌برند با یکدیگر تفاوت دارند. نقش و سهم هر کدام از این بازیگران به خوبی در سخنان رئیس‌جمهور افغانستان مشهود است. حامد کرزای که در تیرماه سال ۱۳۸۹ در اجلاسی که به منظور گرامی‌داشت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر در کابل برگزار شد، در مورد وضعیت تولید مواد مخدر در این کشور چنین به روشنگری پرداخت: «مواد مخدر به تشویق خارجی‌ها در افغانستان کشت و تولید می‌شود و آنان از این بابت سالانه ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در آمد کسب می‌کنند و تنها سه درصد این پول به دست افغان‌ها می‌رسد». وی افزود: «تمام همسایگان ما باید بدانند و متوجه باشند که ما افغان‌ها تنها قربانی بازی مواد مخدر هستیم نه عوامل و بازیگران اصلی این تجارت مافیایی». در هر حال، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر ادامه کشت خشخاش در افغانستان و روند رو به گسترش آن سودهای کلانی است که این تجارت مرگبار و غیرقانونی به همراه دارد.



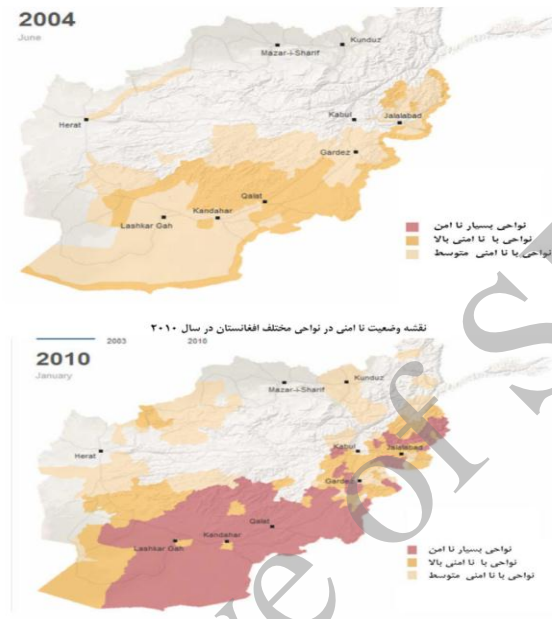
۴-۴- عوامل و زمینه‌های اصلی تولید مواد مخدر در افغانستان

الف) بی‌ثباتی سیاسی

نخستین و شاید مهمترین علت پدیده تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان به وضعیت بی‌ثباتی سیاسی و جنگ و درگیری‌های دایمی در این کشور برمی‌گردد. از سال ۱۹۷۹ و دوران آغاز مبارزه با اشغالگران شوروی تاکنون همواره افغانستان از بی‌ثباتی سیاسی، تعدد مراکز قدرت، درگیری‌های مسلحانه میان گروه‌های قومی و محلی و... رنج برده است. بی‌ثباتی سیاسی و نبود یک حکومت فراگیر و مستمر از یک سو منجر به افزایش جنگ‌های داخلی شد و به دنبال آن موجب از میان رفتن زمینه‌ها و بسترهای هر چند محدود فعالیت‌های اقتصادی مولد و مفید همچون کشاورزی شد و از سوی دیگر امکان طرح و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور را نابود کرد. در نتیجه روز به روز بر شدت فقر و محرومیت مردم این کشور افزوده شده است؛ به اندازه‌ای [که اکنون] که شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان نسبت به متوسط جهانی در پایین‌ترین حد خود است و افغانستان یکی از کشورهای فقیر و عقب‌مانده جهان محسوب می‌شود (World Bank, ۲۰۱۰). همچنین این بی‌ثباتی سیاسی منجر به ایجاد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری متعدد، تشکیل حکومت‌های ملوک‌الطوایفی و قومی، نبود امکان تشکیل حکومت فراگیر قدرتمند، درگیری‌های مسلحانه، ناامنی، قتل، غارت و... می‌شود که البته همه موارد یادشده زمینه‌های مناسبی را برای افزایش کشت خشخاش و تولید و تجارت مواد مخدر فراهم می‌کنند. به همین دلیل باندها و کارتل‌های بین‌المللی مواد مخدر همواره مروج بی‌ثباتی بوده‌اند و یکی از موانع اصلی تشکیل حکومت فراگیر و قدرتمند و ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان محسوب می‌شوند. چنان‌که به‌عنوان نمونه، دبیرکل پیشین سازمان ملل معتقد بود قاچاقچیان مواد مخدر مانع جدی توافق میان گروه‌های افغان برای صلح هستند (نواب، ۱۳۷۹: ۱۳۱). همچنین اداره مبارزه با جرم سازمان ملل متحد، در آمد گروه طالبان را فقط از تجارت مواد مخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۰ مبلغ چهارصد و هفتاد میلیون دلار



اعلام کرد که طالبان از این درآمد برای تأمین مالی شورش علیه نیروهای آمریکایی و افغانی استفاده می‌کند.



نقشه ۲: تشدید بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان در سال ۲۰۱۰
زرقانی، ۱۳۹۰: ۳۳۴

در واقع همچنان که در نمودار ۴ نشان داده شده است، بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در افغانستان و تولید و قاچاق مواد مخدر در آن کشور یک چرخه معیوب هستند؛ به گونه‌ای که افزایش بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستقیماً باعث افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر می‌شود و برعکس. به‌عنوان نمونه؛ اگر چه حامد کرزای رئیس دولت افغانستان تا کنون بارها دستور ممنوعیت کشت و تولید مواد مخدر را در افغانستان صادر کرده و اقدام‌های مهمی را نیز [در این باره] انجام داد، اما به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی موجود و دخالت گروه‌های مسلح خودمحمور و کارتل‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر، مبارزه با کشت خشخاش توفیق بسیار کمی داشته است.



نمودار ۲: چرخه بی ثباتی سیاسی و تولید مواد مخدر در افغانستان

ب) سودهای کلان قاچاق مواد مخدر

به نظر می‌رسد جهانی شدن تجارت مواد مخدر و سودهای هنگفت آن به ویژه برای کارتل‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر در افزایش تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان سهم مؤثری داشته باشد. گردش مالی تجارت مواد مخدر را در سال ۱۵۰۰ میلیارد دلار و سود حاصل از تجارت مواد مخدر در جهان را سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار یعنی یک پنجم کل درآمد ملی جهان تخمین می‌زنند (روزنامه ابرار، مصاحبه با دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۸۲/۴/۷) و حتی فرمانده نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۹ گردش مالی تجارت مواد مخدر را حدود ۳۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد (سایت اینترنتی نیروی انتظامی). این سود، تجارت مواد مخدر را بعد از تجارت اسلحه در دومین رده مبادلات اقتصادی جهان قرار داده است و باعث شده تا بحران بزرگ اعتماد و مصرف مواد مخدر همه کشورها را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ به طوری که آمار معتادان جهان از حدود ۲۱۴ میلیون نفر در سال ۱۹۹۹ به حدود ۴۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ رسیده است. در حال حاضر کارتل‌های مواد مخدر در جهان با استفاده از فنون تجاری پیشرفته به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. در واقع تجارت مواد مخدر، حرفه‌ای است سازماندهی شده که حمایت برخی دولت‌ها، نیروها و...



را به همراه دارد. این تجارت و سازمان‌ها و مراکز دخیل در آن همچون شرکت‌های فراملیتی در حال گسترش است. بر اساس اظهارات پلیس بین‌الملل (اینترپول) این شرکت‌های بزرگ توسط گروه‌های تبهکار سازمان‌یافته مستقر در نقاط مختلف جهان مانند کارتل‌های مستقر در کلمبیا و مکزیک، کارتل‌های سه‌گانه هنگ‌کنگ، تایوان، چین، یاکوزا در ژاپن، کارتل‌های سیسیلی کوسا تو سترا، لا کو سانو سترا در نیویورک، گروه‌های مافیایی در روسیه و دیگر کشورها اداره می‌شود. مهمترین انگیزه گسترش قاچاق مواد مخدر در سطح جهان سودهای سرشار و درآمدهای هنگفتی است که از این کار به سازمان‌دهندگان باند‌های قاچاق می‌رسد. سودی که از تولید مواد مخدر عاید تولیدکنندگان می‌شود در واقع تفاوت میان قیمت خرید این مواد در سر مزرعه با قیمت آن در مراکز مصرف است. وجود سود هنگفت به میزان صدها برابر قیمت و آن هم در یک زمان بسیار کوتاه آن‌چنان وسوسه‌انگیز است که اصلی‌ترین دلیل گسترش قاچاق مواد مخدر به حساب می‌آید. به‌عنوان مثال؛ در سال ۲۰۰۰ قیمت یک کیلوگرم تریاک در مرز افغانستان و تاجیکستان ۲۰۰۰ دلار، در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان ۱۵۰۰۰ دلار و در مسکو ۱۵۰/۰۰۰ دلار بود (زرقانی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

ج) کاهش تولید دیگر مناطق جهان

از سوی دیگر کاهش تولید مواد مخدر در کشورهایی که به‌طور سنتی تولیدکننده مواد مخدر جهان محسوب می‌شدند باعث افزایش قیمت مواد مخدر و تبدیل افغانستان به کانون اصلی تولید مواد مخدر شده است. به گفته مدیراجراییاداره کنترل مواد مخدر سازمان ملل، به دلیل کاهش کشت (بته‌کوکا) مادها و لیه‌رای تولید ماده مخدر کوکاییندر کلمبیا به میزان ۳۷ درصد و در پرو به میزان ۶۰ درصد از سال ۱۹۹۵ تا کنون، تولید کوکاییندر جهان کاهش چشمگیری یافته است. همچنین میزان تولید تریاک در منطقه موسوم به مثلث طلایی (میانمار، لائوس و تایلند) در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ به میزان ۴۰ درصد کاهش یافته است و این روند همچنان ادامه دارد. این کاهش تولید باعث افزایش شدید قیمت تریاک شده است و افزایش قیمت تریاک به‌طور مستقیم در افزایش

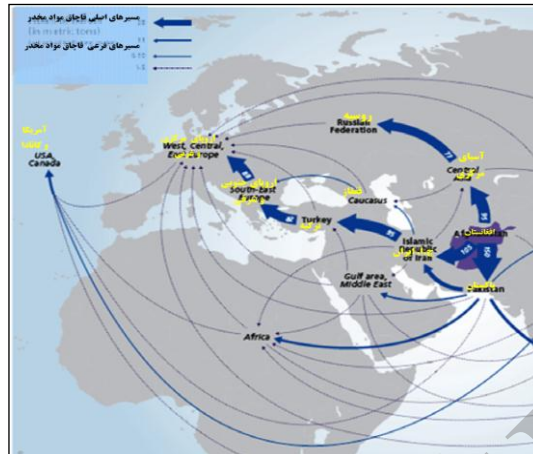


درآمد خانواده‌های کشاورزی که به کشت خشخاش می‌پردازند تأثیر دارد. البته چنان‌که گفته شد سود واقعی ناشی از این افزایش قیمت به جیب باندهای بین‌المللی مواد مخدر می‌رود و کمتر به کشاورزان می‌رسد ولی با توجه به فقر و محرومیت موجود در افغانستان و بی‌ثباتی اقتصادی، خشخاش بهترین و سودآورترین محصول برای کشاورزان محسوب می‌شود.

۴-۵- پیامدهای تولید مواد مخدر در افغانستان بر امنیت مرز و مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران

پدیده تولید و قاچاق مواد مخدر، معلول ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین متأثر از باندهای مافیایی و دست‌های پنهان در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. این پدیده امروزه از چنان پیچیدگی‌هایی برخوردار شده است که سازمان ملل متحد و مجامع بین‌المللی آن را از جمله جرم‌های سازمان‌یافته تلقی کرده‌اند و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد را در کنار سه بحران دیگر (هسته‌ای، جمعیتی و زیست‌محیطی) قرار داده‌اند که بشریت را در قرن حاضر تهدید می‌کند. در چنین شرایطی کشت وسیع خشخاش در افغانستان و مجاورت با کشوری که به‌تنهایی حدود ۹۰ درصد تریاک جهان را تولید می‌کند، برای کشور جمهوری اسلامی ایران پیامدهای نامطلوب امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی در پی داشته است.

مواد مخدر تولیدی در افغانستان برای رسیدن به بازارهای مصرف از مسیرهای مختلفی عبور می‌کند. همچنان‌که در نقشه شماره ۳ نشان داده شده است، به‌طور کلی سه مسیر به‌عنوان مهمترین گذرگاه‌های قاچاق مواد مخدر از افغانستان به بازارهای مصرف جهانی وجود دارد. این سه مسیر عبارتند از: مسیر شمال (افغانستان- آسیای مرکزی- روسیه- اروپای شرقی و...)، مسیر جنوب (افغانستان- پاکستان- ایران، شبه‌جزیره عربستان، هند و...) و مسیر غربی (افغانستان- ایران- ترکیه- اروپای غربی و...) (زرقانی، ۱۳۸۰: ۱۹۶).



نقشه ۳: مسیرهای سه گانه قاچاق مواد مخدر از افغانستان

دلایل و زمینه‌های مختلفی وجود دارد که قاچاقچیان بین‌المللی در دهه‌های اخیر مسیر ایران را به عنوان یکی از مهمترین گذرگاه‌های ترانزیت مواد مخدر برگزیده‌اند. برخی از مهمترین دلایل انتخاب مسیر ایران برای قاچاق مواد مخدر عبارتند از:

- این معبر نسبت به گذرگاه‌های کشورهای شمالی و جنوبی تک‌جداره است. در واقع انتقال مواد از راه آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای سرزمین چند کشور است؛ در حالی که معبر ایران بدون واسطه دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود.
- کوتاهی مسیر میان مرکز تولید و بازار مصرف؛
- ویژگی‌های طبیعی منطقه، مانند فضاهای تقریباً خالی شرقی (کویر پهناور لوت و کویر نمک)؛
- وجود تعداد زیادی از پناهندگان افغانی در ایران و استفاده از آنها در کار قاچاق؛
- شرایط اقتصادی نامطلوب در افغانستان و در برخی مناطق مرزی ایران؛
- گستردگی مرزهای ایران و نبود امکانات کافی برای انسداد آنها؛
- توطئه دشمنان خارجی ایران مانند آمریکا و اسرائیل در ناامن کردن مرزهای شرقی؛
- صرفه اقتصادی بیشتر برای باندهای قاچاق بین‌المللی؛



گفتنی است با توجه به اقدام‌های اساسی انجام گرفته در زمینه انسداد مرز، تقویت و تجهیز پاسگاه‌های مرزی، برخورد قاطع دولت و نیروی انتظامی با پدیده شوم قاچاق مواد مخدر و... این مسیر روز به روز برای قاچاقچیان بین‌المللی ناامن‌تر شده و در نتیجه توجه آن‌ها به دیگر مسیرها جلب شده است (زرقانی، ۱۳۹۰: ۵۵). با توجه به این که موضوع این پژوهش امنیت مرزهای شرقی است، در این بخش مهمترین تأثیرات تولید مواد مخدر در افغانستان بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی [ایران] مورد بررسی قرار می‌گیرد.

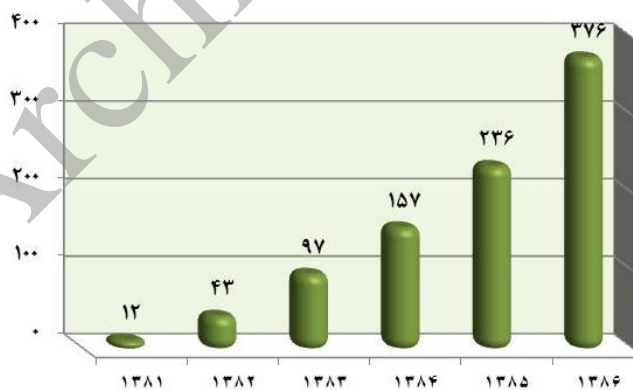
۴-۵-۱- قاچاق مواد مخدر و افزایش درگیری‌های مرزی

یکی از مهمترین پیامدهای کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان که بر امنیت مرزها تأثیر مستقیم دارد، عبارت است از افزایش درگیری‌های مرزی به دلیل مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر در عبور از مرز شرقی. درگیری مسلحانه خشن‌ترین و بدترین نوع برخورد نیروی حافظ امنیت با افراد مخل امنیت است. در این حالت، دو طرف آخرین و خشن‌ترین راه‌حل ممکن را برای حل مسأله یعنی حذف و دستگیری و تسلیم طرف مقابل به کار می‌گیرند. این نوع اقدام ضد امنیتی به‌ویژه وقتی که با عوامل حاکمیت باشد، بیانگر روشن فقدان امنیت، حاکمیت ترس، ناامنی و اضطراب عمومی در جامعه است. متأسفانه در استان‌های مرزی شرق کشور یکی از شایع‌ترین اقدام‌های ضد امنیتی درگیری مسلحانه است. طبق آمار سال ۱۳۸۱، تعداد ۸۷ مورد درگیری مسلحانه گزارش شده، که سیستان و بلوچستان با ۵۲ مورد بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است (آقایی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). واقعیت این است که بر اساس نگرش مذهبی و اخلاقی نظام جمهوری اسلامی ایران مبارزه و درگیری با باندهای بزرگ و مجهز قاچاق مواد مخدر همواره از سیاست‌های اصلی کشور و نیروی انتظامی به‌ویژه در مبادی ورودی در مرزهای شرقی بوده است؛ چنان که ۵۴ درصد از کشفیات مواد مخدر در سال ۱۳۸۷ به شرق کشور اختصاص داشته است (مصاحبه با سردار حسین آبادی به نقل از سایت نیروی انتظامی روز چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۸۸). این در حالی است که قاچاقچیان بین‌المللی مجهز به تجهیزات پیشرفته‌ای مانند دستگاه‌های نوین مخابراتی، دوربین‌های دید در شب، انواع سلاح‌های مدرن، موشک‌های ضد هوایی و...



بوده و به همراه نفرات آموزش دیده و آشنا به منطقه وارد کشور می‌شوند و از این رو مقابله با آنان به سادگی امکان‌پذیر نیست.

نیروهای انتظامی و نظامی در مرزهای کشور به‌ویژه مرزهای شرقی همواره با مشکلات فراوان به مبارزه بی‌امان با این سوداگران مرگ می‌پردازند و همین مبارزه پیگیر و شجاعانه باعث شده است که مسیر ترانزیتی ایران نسبت به سال‌های قبل برای عبور قاچاقچیان بسیار ناامن شود؛ و به همین دلیل باندهای بین‌المللی مواد مخدر مسیرهای دیگری را از سمت شمال (مرزهای کشورهای آسیای مرکزی) و جنوب افغانستان مورد توجه قرار داده‌اند. مبارزه با قاچاق مواد مخدر در کنار موفقیت‌های فراوانی که به همراه داشته است، هزینه‌های معنوی و مادی زیادی را بر کشور ایران تحمیل کرده است. تقدیم بیش از ۳۶۰۰ شهید و ۱۱ هزار جانباز از نیروی انتظامی، ارتش، سپاه و بسیج در برخورد با سوداگران مرگ بیانگر بخشی از این هزینه‌ها است. نمودار ۴ افزایش چشمگیر درگیری با اشرار و قاچاقچی‌ها را در منطقه مرزی تایباد در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ نشان می‌دهد. به‌طور قطع افزایش کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان در این سال‌ها در این زمینه نقش اصلی را داشته است. ضمن اینکه سیاست‌های نیروی انتظامی در برخورد استوار با هرگونه قاچاق مواد مخدر و شرارت نیز در این زمینه تأثیر بسیار داشته است.



نمودار ۴: آمار درگیری هنگام مرزی تایباد با اشرار در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶



(مرزبانی استان خراسان رضوی به نقل از فتاح، ۱۳۸۷: ۵۰)

جدول ۱ نیز بخشی از موفقیت‌ها و اقدام‌های نیروی انتظامی را در طی یک دوره ده‌ساله (۱۳۸۰-۱۳۷۱) در مبارزه با قاچاق مواد مخدر نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار فعالیت‌های ده‌ساله نیروی انتظامی در مورد جرم‌های قاچاق مواد مخدر (۱۳۸۰-۱۳۷۱)

باند‌های متلاشی شده	۸۱۹۹ مورد	هر ۱۰ ساعت یک باند
عملیات درگیری مسلحانه	۸۸۰۹ مورد	هر ۱۰ ساعت یک درگیری
خودروهای توقیف شده	۲۷۲۲۱ دستگاه	هر ۳ ساعت یک دستگاه
گروگانگیری و آدم‌ربایی	۷۲۰۸ مورد	هر ۱۲ ساعت یک گروگان
شهدا	۱۴۷۹ نفر	هر ۵۹ ساعت یک شهید
سلاح‌های کشف و ضبط شده	۹۷۰۶ مورد	هر ۹ ساعت یک قبضه
تلفات اشرار	۴۴۰۸ نفر	هر ۲۰ ساعت یک نفر
معتادان دستگیر شده	۹۷۶۱۳۲ نفر	هر ۵ دقیقه یک نفر
قاچاقچیان دستگیر شده	۶۰۳۸۵۰ نفر	هر ۹ دقیقه یک نفر

منبع: مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا

۴-۵-۲- قاچاق مواد مخدر و افزایش آمدودش غیرمجاز

یکی دیگر از پیامدهای منفی قاچاق مواد مخدر بر کارکرد امنیتی مرزهای شرقی، افزایش تردهای غیرمجاز به‌ویژه قاچاق انسان است. به این ترتیب که بیشتر ترددکنندگان غیرمجاز برای خروج از کشور گذرگاه‌ها و مسیرهایی را برمی‌گزینند که مورد استفاده قاچاقچیان کالا و مواد مخدر قرار می‌گیرد؛ چرا که دور از دسترس بودن و خارج از کنترل بودن این مسیرها به‌وسیله قاچاقچیان محرز شده است. اگر جز این بود، قاچاقچی‌ها به حمل محموله‌های گرانبهای خود از این مسیرها اقدام نمی‌کردند. در سال‌های اخیر مرزهای استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و مرزهای آبی جنوب کشور عمده‌ترین مسیرهای قاچاق مواد مخدر و در عین حال خروج‌های غیرمجاز بوده است. همچنین بسیاری از مرتبطان و راهنماهای کاروان‌های بزرگ قاچاق و قاچاقچیان خرده‌پا، در



خروج‌های غیرمجاز فعال هستند و با گرفتن مبالغ کلان، افراد ممنوع‌الخروج را از مسیرهای مطمئن که قبلاً آزموده‌اند به فراسوی مرزها منتقل می‌کنند (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۵۶).

از سوی دیگر، میان قاچاق مواد مخدر و تردد شهروندان بیگانه نیز رابطه معناداری به چشم می‌خورد. مرزهای شرقی کشور که دالان عمده ورود محموله‌های مواد مخدر به کشور هستند، مسیر عمده ورود غیرقانونی شهروندان بیگانه نیز به‌شمار می‌روند. در دوده گذشته بیش از دو میلیون آواره افغانی بارها و به‌صورت مجاز یا غیرقانونی در مرز طولانی شرق آمدوشد داشته‌اند و از این‌رو به بیشتر نقاط آن آشنایی دارند. شبکه‌های قاچاق نیز با استفاده از فقر و بدبختی آن‌ها همواره به روش‌های جدید قاچاق متوسل می‌شوند. به‌طورمثال؛ فقط در استان سیستان و بلوچستان که از مسیرهای عمده ورود مواد مخدر به کشور است بیش از ۱۲۰ هزار نفر افغانی به‌صورت غیرمجاز سکونت دارند که بسیاری از این افراد در کار قاچاق مواد مخدر یا کالا، شرارت، گروگان‌گیری، اخاذی و... فعالیت می‌کنند (اقتصاد سیاسی: ۱۳۷۸: ۵۸).

۴-۵-۳- قاچاق مواد مخدر و تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاق از مرزها

بررسی‌ها گویای رابطه همبستگی میان قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا است و مناطق آلوده به مواد مخدر، آلوده به قاچاق کالا نیز به‌شمار می‌روند و برای هر دو از مسیرها و گذرگاه‌های مشترکی استفاده می‌شود. بنابر تحقیقات به‌عمل آمده بسیاری از قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر در آغاز قاچاقچیان و حاملان کالاهای کوچک در مناطق مرزی کشور بوده‌اند که به تدریج به سودآوری، آسانی، امکان و راهکارهای قاچاق مواد مخدر پی برده‌وبه آن روی آورده‌اند (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۵۷). به‌عنوان مثال؛ قاچاق کالا، مواد خوراکی و تا سال قبل قاچاق سوخت نیز علاوه بر قاچاق تریاک از راه افغانستان و پاکستان انجام می‌گرفت. بنا به آمارهای ارائه شده از سوی دستگاه‌های مسئول (نیروی انتظامی، وزارت نفت و...) در سال‌های گذشته روزانه ۵۰۰ هزار لیتر مواد سوختی فقط از مرزهای شرقی کشور قاچاق می‌شده است (روزنامه همشهری؛ ۵ تیرماه ۱۳۸۷).



۴-۵-۴- افزایش هزینه‌های کنترل وانسداد مرزی

مرزهای طولانی ایران با کشورهای مختلف که بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی، شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌های، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی منطبق شده است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۹) نیازمند به تدابیر و تجهیزات دفاعی و امنیتی متناسب با شرایط جغرافیایی هر منطقه است. در این میان، مرزهای شرقی ایران با پاکستان و افغانستان به دلیل شرایط طبیعی، سیاسی و اقتصادی ویژه منطقه در معرض تهدید و نفوذ باندهای قاچاق مواد مخدر قرار دارند. وضعیت طبیعی نقاط مرزی، وجود مناطق دشوار (صعب‌العبور) و اصطلاحاً نقاط کور مرزی، ضعف دولت‌های مرکزی کشورهای همسایه، فضای هرج و مرج و نبود یک حکومت قدرتمند و فراگیر در کشور افغانستان و... همگی زمینه‌های مناسبی را برای فعالیت قاچاقچیان فراهم می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با ورود این محموله‌ها ناچار از صرف هزینه‌های بسیار برای کنترل وانسداد مرزها شده است. به گفته جانشین فرماندهی نیروی انتظامی، در سال‌های گذشته بیش از یک میلیارد دلار برای انسداد مرزهای شرقی هزینه شده است. اقدام‌های نیروی انتظامی برای انسداد مرزهای شرقی کشور از طریق موانع الکترونیکی، فیزیکی و انسانی شامل احداث خاکریز، انسداد ده‌ها تنگه و گذرگاه با بتون آرمه، حفر صدها کیلومتر کانال، احداث پاسگاه‌های مرزی و برجک‌های دیدبانی و... است. به گفته جانشین فرماندهی نیروی انتظامی، استحکامات مرزی جدید، ایجاد موانع متعدد و گماردن سازمان‌های متعدد نیروی انتظامی در گلوگاه‌های مرزی تا عمق کشور و کنترل بخشی از مرزها به وسیله تجهیزات الکترونیکی موجب شده تا ضمن افزایش ریسک، حرکت کاروان‌های قاچاق مواد مخدر با کاهش سرعت مواجه شود. زمانبر ساختن این فرآیند در منطقه، قاچاق مواد را از مسیر ترانزیتی ایران برای سوداگران مرگ دچار مشکل کرده است؛ اگر چه به خاطر حجم بالای تولید در افغانستان بخشی از مواد نیز وارد کشور



می‌شود (گزارش عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۹ به نقل از وبسایت ستاد مبارزه با مواد مخدر).

۴-۵-۵- افزایش قاچاق مواد مخدر در استان‌های مرزی

تأثیر مستقیم دیگر تولید مواد مخدر در افغانستان، افزایش قاچاق این ماده در استان‌های مرزی شرقی است که مبارزه با آن سرمایه و نیروی زیادی را صرف می‌کند. کمبود شغل و افزایش نرخ بیکاری، وجود فقر و محرومیت در شهرها و به‌ویژه روستاهای استان‌های مرزی از یک سو و مجاورت با افغانستان و استفاده قاچاقچیان افغانی از مرز نشینان برای قاچاق مواد مخدر و سود بالای این کار از دیگر سو باعث شده است تا قاچاق مواد مخدر در استان‌های مرزی نسبت به استان‌های داخلی فراگیرتر باشد. بر اساس گزارش‌های نیروی انتظامی، تعداد پرونده‌های مربوط به جرم قاچاق مواد مخدر در شهرها و به‌ویژه روستاهای کنار مرز در استان خراسان رضوی نسبت به داخل کشور بسیار بالا است. آمارها نشان می‌دهد در برخی روستاهای کنار مرز استان، چندین خانواده، سرپرست خود را به دلیل قاچاق مواد مخدر و تردد غیرمجاز مرزی از دست داده‌اند (زرقانی، ۱۳۹۰: ۳۳۴). همچنین بررسی پرونده‌های گروگان‌گیری مرتبط با مواد مخدر در استان خراسان رضوی نشان می‌دهد؛ این نوع گروگان‌گیری‌ها غالباً در حاشیه مرز اتفاق می‌افتد؛ به آن دلیل که قاچاقچیان افغانستانی عمدتاً محموله‌های خود را برای انتقال به داخل کشور به مرز نشینان روستایی و شهرهای حاشیه مرز واگذار می‌کنند و هنگامی که این محموله در برخورد با نیروی انتظامی ضبط می‌شود، قاچاقچیان خانواده این مرز نشینان را برای به‌دست آوردن پول محموله‌های قاچاق خود به گروگان می‌گیرند (زرقانی، ۱۳۸۹: ۵۶۵). افزایش تعداد پرونده‌های قاچاق مواد مخدر در داخل کشور نیز نشان‌دهنده تأثیر منفی تولید مواد مخدر در افغانستان بر امنیت کشور است. به گفته سردار کلوک در سال ۱۳۸۱ در ارتباط با مواد مخدر دو میلیون و پانصد هزار نفر دستگیر شدند که این مقدار نسبت به سال قبل ۱۵ درصد افزایش داشته است. ۶۰ درصد این افراد میان ۲۰ تا ۲۵ سال سن داشته‌اند و ۱۲ درصد از آنان را دختران تشکیل می‌داده‌اند (۵ تیرماه ۱۳۸۲). همچنین بنابر آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر



تا پایان آذرماه سال ۱۳۸۹ روزانه ۵۸۹ نفر قاچاقچی دستگیر شده‌اند (به نقل از سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر).

۴-۵-۶- شیوع اعتیاد و افزایش مصرف مواد مخدر در استان‌های مرزی

طبیعی است که با توجه به ممنوعیت خرید و فروش مواد مخدر در ایران و تلاش‌های نیروی انتظامی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر بخشی از این مواد در داخل ایران به ویژه مناطق مرزی رخنه کرده و به فروش می‌رسد. به گفته مسئولان امنیتی و انتظامی کشور قرار گرفتن ایران در مجاورت کانون اصلی تولید مواد مخدر دنیا و مسیر مناسب ایران برای قاچاق مواد مخدر به ترکیه و اروپا از مهمترین دلایل رواج پدیده خانمان‌سوز اعتیاد در داخل ایران است. روشن است که ساکنان شهرها و روستاهای کنار مرز دسترسی سریع‌تر و با قیمت پایین‌تری به مواد مخدر دارند و از این رو متأسفانه این مناطق بیشتر با معضل اعتیاد روبه‌رو هستند. پدیده شوم اعتیاد دارای اثرات زیان‌بار مادی و معنوی متعددی است که در صورت تداوم وضع موجود می‌تواند به معضل بزرگ امنیتی کشور تبدیل شود. بنا به اعلام سازمان بهزیستی، اعتیاد به مواد مخدر زمینه‌ساز ۱۰ بیماری و آسیب اجتماعی مهم کشور است که عبارتند از: بیماری خطرناک هیپاتیت، ایدز، طلاق، روسپیگری و بی‌بندوباری جنسی، سرقت، آدم‌ربایی، تکدی‌گری، فرار دختران و زنان از خانه، بزهکاری کودکان، خشونت و آدم‌کشی، همسرآزاری و کودک‌آزاری (روزنامه ایران، ۵ تیرماه ۱۳۸۲).



۵- تجزیه و تحلیل

تولید حدود ۹۰ درصد تریاک جهان در سال‌های متمادی در افغانستان گواه بر این ادعاست که در حدود سه دهه سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف مبارزه با کشت تریاک و تولید مواد مخدر در افغانستان با توفیق همراه نبوده است. حتی اشغال افغانستان توسط آمریکا و حضور نظامیان آن کشور و ناتو در افغانستان نیز نتوانست چندان کمکی به کرزای برای مقابله با تولید و تجارت مواد مخدر کند. ضمن اینکه بنا بر شواهد و گزارش‌های و اعتراف‌های صریح برخی از مقام‌های افغانستانی، نیروهای ناتو، بریتانیایی و آمریکایی مستقر در این کشور، نه تنها در مبارزه با مواد مخدر راستگو و جدی نیستند که حتی خود نیز در بسیاری از موارد مشوق کشت تریاک و قاچاق مواد مخدر به بازارهای جهانی هستند. سردار احمدی مقدم نیز در دومین اجلاس رؤسای پلیس مبارزه با مواد مخدر کشورهای ساحلی دریای خزر در خردادماه ۱۳۹۰ به صراحت معتقد است: «روند معیوبی در افغانستان وجود دارد که حافظ منافع قاچاقچیان است و حتی سیاست‌های آمریکا، انگلیس و سازمان ملل این روند را حمایت می‌کند». همچنین ویکتور ایوانف رئیس آژانس فدرال مبارزه با مواد مخدر فدراسیون روسیه در آن اجلاس بر این امر اذعان داشت و گفت: «حضور نیروهای نظامی خارجی و آمریکایی هرگز موجب کاهش میزان تولید مواد مخدر در افغانستان نشده بلکه تولید مواد مخدر در آن کشور ۴۰ برابر افزایش یافته است» (دومین اجلاس رؤسای پلیس مبارزه با مواد مخدر کشورهای ساحلی دریای خزر (خبرگزاری ایرنا، ۲۷ خرداد ۱۳۹۰).

علاوه بر این، بنا بر گزارش اداره مبارزه با جرم در سازمان ملل متحد، در دو سال اخیر بیشترین تولید مواد مخدر در استان‌هایی [از افغانستان] صورت گرفته است که نیروهای بریتانیایی در آن حاکمیت دارند. این امر به آن معنی است که مافیای بین‌المللی مواد مخدر که از گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری تجارت مواد مخدر در جهان سودهای کلان می‌برد، توانسته است بدون توجه به حاکمیت گروه‌ها و دولت‌های مختلف در افغانستان و با وجود استقرار دولت کابل و حضور نیروهای آمریکایی و ناتو، همچنان سیطره خود را بر افغانستان بگستراند؛ چنان که پس از سقوط طالبان نه تنها شاهد کاهش تولید نبوده‌ایم بلکه



در سال‌های اخیر سطح زیرکشت خشخاش و پیرو آن تولید تریاک افزایش شدیدی را نشان می‌دهد.

۶- نتیجه‌گیری

تا زمانی که افغانستان کشوری فقیر، بی‌ثبات و محروم باشد، تهدید ناشی از مواد مخدر و تنگناهای متعدد و پیچیده ناشی از آن برای ایران پایدار خواهد بود. مقابله با بحران مواد مخدر نه تنها نیازمند به هماهنگی و همکاری تنگاتنگ سه‌جانبه میان افغانستان، پاکستان و ایران است، بلکه وابسته به عزم بین‌المللی برای کمک به تغییر شیوه تولید و کشت و زرع در افغانستان است؛ به گونه‌ای که کشاورزان سخت‌کوش افغان و ایالت‌های شمالی پاکستان، از عهده تأمین معاش خود برآیند. از سوی دیگر استقرار هر دولت مخالف ایران در افغانستان این امکان را فراهم می‌آورد تا با حمایت از قاچاق مواد مخدر، فضای شرق و جنوب شرق کشور را ناامن سازد؛ همان‌طور که طالبان برای ایجاد تغییر در سیاست خارجی ایران، از این دست‌آویز استفاده کرد. بنابراین مجاورت با بزرگترین کشور تولیدکننده مواد مخدر جهان از یک سو و قرار گرفتن در مسیر تولید و مصرف این مواد از سوی دیگر به شدت بر امنیت مرزهای شرقی و به تبع آن بر امنیت داخل کشور در جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی تأثیر منفیداشته و دارد. افزایش سرقت و آمدهای غیر مجاز مرزی، افزایش درگیری‌ها و ناامنی‌های مرزی، افزایش قتل، شرارت و گروگان‌گیری در مناطق مرزی، شیوع اعتیاد و پیامدهای منفی پر شمار آن از جمله این تهدیدات و آسیب‌هاست.



منابع

- پرسکات، جان؛ (۱۹۸۰)، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۷)؛ قاچاق مواد مخدر و غیره، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، تابستان.
- خطابی، غلامحسین (۱۳۷۴)؛ مرزبانی، چاپ اول، تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- درایسدل، و جرالداچ بلیک؛ (۱۹۹۵)، جغرافیای سیاس خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رحمتی‌راد، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه، چ ۱، تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)؛ مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶)؛ عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر نقش و کارکرد مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۹)؛ طرح پژوهشی آمایش استان خراسان رضوی، بخش تهدیدات نظامی و امنیتی، استانداری خراسان رضوی، منتشر نشده.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۹۰)؛ پروژه تحقیقی با عنوان (عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر امنیت مرزهای شرقی)، دفتر تحقیقاتی ناجا، خراسان رضوی، منتشر نشده.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)؛ نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- قویدل، مهدی (۱۳۸۳)؛ نگاه اسرائیل به افغانستان پس از یازده سپتامبر، کتاب آسیا (ویژه افغانستان پس از طالبان)، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱)؛ ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.



- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۳)؛ ثبات در افغانستان و نقش آن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کتاب آسیا (ویژه افغانستان پس از طالبان)، تهران: موسسه ابرار معاصر.
 - مجله اقتصاد سیاسی (۱۳۷۸)؛ اقتصاد مواد مخدر و جایگاه آن، پیش شماره اول.
 - میر حیدر، دره (۱۳۸۱)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ نهم، تهران: سمت.
 - مهدوی، رضا (۱۳۷۶)، ویروس طالبان برپیکر نحیف افغانستان، ایران فردا، شماره ۴۰.
 - نواب، مهدی (۱۳۷۹)؛ اقتصاد جهانی، منطقه گرایی، مجموعه مقالات، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
 - ویژه نامه همایش ملی مرزها، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۲۴ و ۲۵ تیرماه ۱۳۸۲.
 - خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری ایسنا، خبرگزاری فارس، سایت اینترنتی نیروی انتظامی، روزنامه ایران، قدس، خراسان.
-
- A Century of International Drug Control (۲۰۰۸); United Nations Office on Drugs and Crime.
 - Dwivedi, R.L (۱۹۹۰); *fundamentals of political geography*; Chaitanya Publishing house.
 - Glassner, M & Fahrner, C (۲۰۰۴); *Political Geography*; USA: John Wiley and Sons.
 - Gray, Colin S (۱۹۷۷); *the Geopolitics of the Nuclear Era*, New York, Grane Russak Ins.
 - Illicit Drug Trends in Afghanistan April ۲۰۰۸.
 - World Drug report (۲۰۰۹-۲۰۱۰); volume ۱. United Nations publication. Office on Drugs and Crime.
 - World Drug report (۲۰۱۲); volume ۱. United Nations publication. Office on Drugs and Crime.
 - UNITED NATIONS Office on Drugs and Crime Country Office.

Archive of SID